

پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران

سکینه خلیج^{1*}، علی یوسفی²

1- کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، ایران

2- استادیار توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، ایران

دریافت: 92/11/9 پذیرش: 93/6/1

چکیده

تسلط روی کرد درآمدمحوری بر جنبه‌های مختلف توسعه، یکی از دلایل ناکامی بسیاری از برنامه‌های کاهش فقر و نابرابری در کشورهای در حال توسعه بیان شده است. بر همین اساس، علت اصلی فقر، کمبود یا نبود درآمد نیست؛ بلکه دلیل آن نبود قابلیت لازم برای خروج از وضعیت فقر برای افراد فقیر است. هدف این پژوهش، پهنه‌بندی میزان و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی کشور و مقایسه نتایج آن با معیار درآمد سرانه است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد توزیع و شدت فقر در کشور به ترتیب 12/3 و 30/6 درصد است. همچنین، فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری بیشتر است؛ به طوری که 21/4 درصد خانوارهای روستایی و 5/86 درصد خانوارهای شهری فقیرند. خانوارهای استان‌های جنوب شرقی فقیرترند و سیستان و بلوچستان فقیرترین استان کشور است. نتایج مقایسه شاخص فقر چندبعدی و شاخص تولید سرانه بدون نفت نشان می‌دهد بین این دو شاخص هم‌پوشانی اندکی وجود دارد. با توجه به اهمیت شناسایی آسیب‌پذیرترین خانوارها در کشور به نظر می‌رسد روش فقر چندبعدی می‌تواند فارغ از مشکلات سنجش درآمد و ثروت خانوارها، اطلاعاتی مفید و متفاوت از درآمد خانوارها در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: شاخص فقر چندبعدی، پهنه‌بندی فقر، روش آلکایر و فوستر، خانوارهای روستایی و شهری.

Email: s_khalaj14@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:



1- مقدمه

فقر یکی از پدیده‌های نامطلوب اجتماعی است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران همواره در پی کاهش آن هستند. موفقیت برنامه‌های فقرزدایی به همان اندازه که به سیاست‌ها و چگونگی اجرای برنامه‌ها وابسته است، به شناسایی دقیق پدیده فقر و معرف‌های آن نیز بستگی دارد (عرب مازار و حسینی‌نژاد، 1383: 113؛ خالدی و پرمة، 1384: 57). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله فقرزدایی و رفاه گروه‌های آسیب‌پذیر در اصول 3، 21، 29، 31 و 43 قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت؛ ولی باید اذعان کرد کوشش‌های انجام‌شده با چالش‌های بسیاری روبه‌روست (ارشدی و کریمی، 1392: 37). اولین برنامه مبارزه با فقر در کشور در برنامه سوم توسعه از سال 1379 با هدف به حداقل رساندن فقر مطلق در کشور اجرا شد که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نیز بر آن تأکید شده است؛ هرچند شواهد گویای آن است که در سال‌های اخیر فقر کاهش چندانی نداشته است (زیبایی و شوشتریان، 1386: 57؛ ارشدی و کریمی، 1392: 37).

پژوهش‌های فراوانی در کشور، از جمله عظیمی (1355)، صمدی (1378)، شوشتریان (1386)، شیروانیان و اسماعیلی (1388)، خداداد کاشی و حیدری (1388) و افتخاری و همکاران (1391) فقر را مبتنی بر ره‌یافت درآمد محور اندازه‌گیری کرده‌اند. پرسش بنیادی آن است که آیا پدیده فقر فقط با رشد اقتصادی بیشتر در کشور و افزایش درآمد سرانه یا حتی توزیع عادلانه این درآمد بین مردم برطرف می‌شود. به عقیده برخی اندیشمندان توسعه از جمله آمارتیا سن¹، علت اصلی فقر کم‌بود یا نبود درآمد نیست؛ بلکه علت آن نبود قابلیت لازم برای خروج از وضعیت فقر برای افراد فقیر است و صرفاً با رشد درآمدی نمی‌توان ابعاد مختلف فقر را از بین برد. از این رو، به جای سنجش سطح توسعه و فقر بر مبنای ره‌یافت درآمد محور، ره‌یافت قابلیت‌های انسانی مطرح، و به مواردی مانند بی‌سوادی، سوء تغذیه، مرگ‌ومیر کودکان و... توجه شده است (Sen, 2004: 43). آمارتیا سن با بیان مفهوم قابلیت، دیدگاه‌های توسعه و رفاه را از درآمد محوری به انسان‌محوری یا همان قابلیت محوری سوق داد (Sen, 1997: 30). از نظر سن، ارزش کالاها به کارکردی

1. Amartya Sen

است که در رفع نیازهای انسان دارند که این رفع نیاز بستگی دارد به اینکه فرد دارای قابلیت انجام دادن آن کار و نیز شرایط فردی لازم باشد. به عبارتی، قابلیت به این معناست که افراد واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند؛ یعنی امکان‌های مختلفی برای انتخاب داشته باشند (Sen, 1999: 15؛ محمودی و صمیمی فر، 1384: 12). مزیت یک شخص بر دیگران بر مبنای قابلیت وی ارزیابی می‌شود؛ یعنی آنچه می‌تواند انجام دهد یا نمی‌تواند. قابلیت‌ها می‌توانند مواردی مانند سواد، آموزش، سلامتی، تغذیه مناسب و مانند آن باشند (Robeyns, 2005: 94).

با اینکه رویکرد قابلیت پایه‌های مفهومی و نظری قابل قبولی دارد، در حوزه ارزیابی کاربردی فقر، مطالعات محدودی در زمینه شناسایی فقرا انجام شده است (Ferreira & Lugo, 2011; Ravallion, 2011). نتایج این پژوهش‌ها مؤید آن است که رویکرد درآمدمحور تمام واقعیت‌های فقر را نشان نمی‌دهد و بین این روش‌ها هم‌پوشانی اندکی وجود دارد. دوایلد¹ (2004: 331) بیان می‌کند که نتایج روش‌های اندازه‌گیری فقر چندبعدی پذیرفتنی‌ترند. رولن² و همکاران (2012: 394) به منظور مقایسه فقر پولی و فقر چندبعدی در کودکان ویتنامی با در نظر گرفتن معرف‌های آموزش، سلامتی، مسکن، دسترسی به آب سالم، کار کودکان و حمایت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی، بر این نکته تأکید کردند که نتایج این دو رویکرد متفاوت و غیرقابل انطباق با یکدیگر است. فراریا و لوگو³ (2012: 13) با معرف‌های حضور فرزندان پنج تا شانزده‌ساله در مدرسه، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و مالکیت دارایی‌های بادوام در سطح خانوار، فقر چندبعدی را در تانزانیا بررسی کردند و نشان دادند که فقر درآمدی به‌طور معمول با محرومیت در عرصه‌های دیگر مانند بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، وضعیت اجتماعی و قدرت سیاسی نیز همراه شده است و نمی‌توان با یک شاخص عددی منفرد، اطلاعات معرف‌های مختلف را خلاصه کرد و معرف‌های فقر چندبعدی وابستگی متقابل به هم دارند.

1. Dewilde

2. Roelen

3. Ferreira & Lugo



مهم‌ترین مطالعه در زمینه سنجش فقر چندبعدی، شاخص جدید برنامه عمران سازمان ملل متحد¹ است که براساس دیدگاه قابلیت و با استفاده از روش آکایر و فوستر²، در گزارش‌های سالیانه توسعه انسانی فقر را در کشورهای مختلف ارائه می‌دهد. این شاخص برای اولین بار از سال 2010م برای 104 کشور محاسبه شد و دارای سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی است که با استفاده از ده معرف اندازه‌گیری می‌شود. معرف‌های سه‌گانه این شاخص دارای وزن برابر هستند و معرف‌های هر بعد نیز وزن مساوی دارند. این شاخص میزان محرومیت خانوارها را در معرف‌های مختلف و میزان و شدت فقر کشورها را ارزیابی قرار می‌کند. به گزارش سال 2010م، 55 درصد خانوارهای هندی فقیرند و میزان فقرشان 53 درصد است. همچنین، براساس معیار درآمد روزانه کمتر از 1/25 دلار، به ترتیب 46 و 39 درصد مردم کشورهای ازبکستان و تانزانیا فقیر هستند؛ درحالی که شاخص فقر چندبعدی نشان می‌دهد در ازبکستان فقط 2 درصد و در تانزانیا 90 درصد افراد فقیرند. نتایج کلی این بررسی گویای آن است که افرادی که برپایه معیار فقر چندبعدی فقیرند، لزوماً براساس سطح درآمدشان فقر نیستند. این ناهم‌پوشانی به‌ویژه در کشورهای فقیر بیشتر دیده می‌شود که ضرورت استفاده از شاخص‌های فقر چندبعدی را به‌منظور تکمیل معیارهای درآمدمحور نشان می‌دهد (Alkire & Santos, 2010: 7).

درحال حاضر، پژوهش‌های اندکی در زمینه سنجش فقر چندبعدی در کشور انجام شده است. علی‌مددی (1387) با استفاده از داده‌های طرح نمونه‌گیری از هزینه و درآمد خانوار سال‌های 1383 و 1385، شاخص‌های تک‌بعدی و چندبعدی فقر را با استفاده از نظریه فازی محاسبه کردند. شیروانیان و بخشوده (2012)، توزیع و شدت فقر را برپایه معرف‌های آموزش، مسکن، غذا، درآمد و سلامت در مناطق روستایی ارزیابی کردند و نتیجه گرفتند که فقر به‌صورت چندبعدی پدیده‌ای اپیدمیک در مناطق روستایی است و معرف‌های مسکن و آموزش در پدید آوردن فقر سهم زیادی دارند. با توجه به اینکه در گزارش‌های سالیانه سازمان ملل، وضعیت فقر چندبعدی کشور تاکنون بیان نشده و نیز در هیچ پژوهشی در کشور، نتایج فقر درآمدی و چندبعدی مقایسه نشده، در پژوهش حاضر توزیع و شدت فقر چندبعدی در ابعاد فضایی استان‌های کشور پهنه‌بندی، و نتایج با تولید سرانه مقایسه شده است.

1. United Nations Development Programme

2. Alkire & Foster

2- روش تحقیق

2-1- مبانی نظری سنجش فقر چندبعدی

در این پژوهش، برپایهٔ رویکرد برنامهٔ عمران سازمان ملل در گزارش‌های توسعهٔ انسانی که با استفاده از روش آلكاير و فوستر انجام یافته، فقر چندبعدی بررسی شده است. این روش نسبت سرشمار تعدیل‌شده¹ یا $M0$ نامیده می‌شود. مبانی نظری این روش به این شرح است:

n تعداد افراد جامعه و $d \geq 2$ تعداد معرف‌های مورد نظر در شاخص فقر است. $y = [y_{ij}]$ ماتریس $n \times d$ میزان دستیابی افراد جامعه به معرف‌های مورد نظر را نشان می‌دهد که $y_{ij} \geq 0$ بیانگر میزان دستیابی فرد i ($i=1, \dots, n$) در معرف j ($j=1, \dots, n$) است. به عبارتی، بردار ردیفی y_i میزان کل دستیابی فرد i ام و بردار ستونی y_j میزان توزیع معرف j ام را در بین تمام افراد ارائه می‌کند. دامنهٔ ماتریس دستیابی برابر با $Y = \{y \in R_+^{nd} : n \geq 1\}$ است. $Z_j \geq 0$ نمودار سطح آستانهٔ محرومیت در معرف j ام است؛ چنانچه سطح دستیابی فرد کمتر از این حد باشد، در این معرف محروم در نظر گرفته می‌شود. بردار ردیفی Z سطح آستانهٔ محرومیت‌ها را نشان می‌دهد. روش اندازه‌گیری چندبعدی فقر از دو مرحلهٔ شناسایی و محاسبهٔ شاخص ترکیبی تشکیل شده است (Alkire & Foster, 2011: 477).

تابع شناسایی $\rho: R_+^d \times R_+^d \rightarrow \{0,1\}$ با استفاده از بردار دستیابی فرد $y_i \in R_+^d$ و بردار سطح آستانه Z در R_+^d ، اگر $\rho = (y_i, Z) = 1$ باشد، فرد محروم تلقی می‌شود و در شرایط $\rho = (y_i, Z) = 0$ ، محروم نخواهد بود. به کار بستن ρ به بردار دستیابی هر یک از افراد، مجموعه $Z \subseteq \{1, \dots, n\}$ از افراد محروم در y به‌ازای مقادیر معین Z را می‌نماید (Ibid). به‌ازای مقادیر معین y ، ماتریس $g^0 = [g_{ij}^0]$ متشکل از اعداد صفر و یک است: اگر $y_{ij} \leq Z_j$ باشد، آن‌گاه $g_{ij}^0 = 0$ ؛ در غیر این صورت، $g_{ij}^0 = 1$ در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارتی، g^0 ماتریس $n \times d$ است که عنصر j ام آن در صورتی یک است که فرد i ام در معرف j ام محروم باشد. i امین بردار ردیفی g^0 (که آن را g_i^0 می‌نامیم) محرومیت‌های فرد i ام را نشان می‌دهد. از ماتریس g^0 بردار ستونی جمع محرومیت‌ها c حاصل می‌شود که عنصر i ام آن $c_i = |g_i^0|$ ، تعداد محرومیت‌هایی را که فرد i ام دچار آن‌هاست، نشان می‌دهد (Ibid).

1. Adjusted Headcount Ratio



جهت شناسایی فقیران، چنانچه میزان محرومیت‌های فرد بیش از یک حد مشخص باشد، فقیر تلقی می‌شود. به‌ازای مقدار معین ρ_k , $k=1, \dots, d$ تابع شناسایی فقیران به این صورت تعریف می‌شود که $\rho_k(y_i; Z) = 1$ در صورتی که $c_i \geq k$ و $\rho_k(y_i; Z) = 0$ وقتی که $c_i < k$ باشد. به‌عبارتی، ρ_k تعیین می‌کند که فرد i ام فقیر است؛ چنانچه در حداقل k معرف محروم باشد. در مرحله بعد، درصد جمعیت فقیران و شدت فقر محاسبه می‌شود. درصد فقیران $H=H(y; Z)$ به‌صورت $H = \frac{q}{n}$ و $q = q(y; Z) = \sum_{i=1}^n \rho_k(y_i; Z)$ تعریف می‌شود. برای محاسبه شدت فقر، مجموع بردار سانسور شده محرومیت‌ها $c(k)$ را که در آن $c_i(k) = \rho_k(y_i; Z)c_i$ است، به‌دست می‌آوریم. میانگین شدت فقر در میان فقیران برابر با $A = \frac{|c(k)|}{(qd)}$ است. نسبت سرشمار تعدیل شده (M_0) برابر با حاصل ضرب میزان (H) و شدت فقر (A)، $M_0 = H.A$ است (Ibid).

مراحل سنجش فقر چندبعدی را می‌توان به این شرح خلاصه کرد: 1. انتخاب واحد تحلیل فقر؛ 2. انتخاب ابعاد فقر و معرف‌های هر بعد؛ 3. انتخاب آستانه محرومیت معرف‌ها و ارزیابی میزان محرومیت خانوارها در هر معرف؛ 4. اندازه‌گیری شاخص ترکیبی فقر (میانگین وزنی میزان محرومیت‌های هر خانوار)، انتخاب آستانه دوم فقر و شناسایی فقیران؛ 5. محاسبه تعداد فقرا و شدت فقر (Alkire & Santos, 2010: 9-19).

در این بررسی، فقر چندبعدی در سطح خانوار سنجش شده است. در اندازه‌گیری شاخص فقر چندبعدی، انتخاب ابعاد و معرف‌ها بسیار اهمیت دارد. پنج روش متداول برای انتخاب ابعاد و معرف‌ها عبارت‌اند از: 1. انتخاب معرف‌ها با توجه به داده‌های موجود که با موضوع مرتبط هستند؛ 2. استناد به نظریه‌ها و دیدگاه‌ها؛ 3. اجماع عمومی: معرف‌هایی که توافق عمومی بر اهمیت آن‌ها حاصل شده باشد، مانند اهداف توسعه هزاره؛ 4. انتخاب معرف‌ها به‌صورت مستقیم از طریق نظرسنجی و ارزیابی مشارکتی به‌ویژه در پژوهش‌های کیفی؛ 5. مرور پژوهش‌های تجربی و موردی انجام شده (Alkire, 2007: 7).

در این پژوهش، ابعاد شاخص فقر مشابه شاخص فقر چندبعدی گزارش‌های توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد (UNDP) از سال 2010م در نظر گرفته شده است. معرف‌ها نیز برپایه شاخص فقر چندبعدی این گزارش، اهداف توسعه هزاره، نوع اقلام داده موجود در سرشماری

عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار و پژوهش‌های مشابه انتخاب شده است. ابعاد، معرف‌ها و آستانهٔ محرومیت هر معرف در جدول شمارهٔ یک آمده است. همچنین، وزن ابعاد و معرف‌های هر بعد مطابق با روش گزارش برنامهٔ عمران ملل متحد، مساوی در نظر گرفته شده است. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از داده‌های خام پرسش‌نامه‌های فردی و خانواری سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار سال 1385 است که در پایگاه اینترنتی مرکز آمار موجود است. مرکز آمار بخشی از داده‌های خام سرشماری را با رعایت اصل محرمانگی و با در نظر گرفتن خانوار معمولی ساکن و گروهی به‌عنوان واحد نمونه‌گیری، در دسترس عموم قرار می‌دهد. روش نمونه‌گیری مرکز آمار به‌صورت تصادفی طبقه‌بندی‌شده در سطح هر منطقهٔ شهری و روستایی شهرستان‌های کشور بوده است. هر استان دارای دو فایل داده‌های خانواری و فردی است؛ فایل خانواری شامل اطلاعات خانوارهای نمونه و واحدهای مسکونی آنان است و در فایل فردی اطلاعات افراد ساکن در خانوارهای نمونه آمده است (مرکز آمار، 1385). در این پژوهش، از داده‌های خام پرسش‌نامهٔ خانواری 799,345 خانوار و 1,367,310 افراد این خانوارها در قالب پرسش‌نامهٔ فردی استفاده شده است. با توجه به نوع دادهٔ مورد نیاز هر معرف و سطح آستانهٔ محرومیت، پرسش‌نامهٔ فردی یا خانواری به‌کار گرفته شده است (ستون چهارم جدول 1) و افراد و خانوارهای محروم در هر معرف مشخص شده‌اند؛ سپس اطلاعات محرومیت فردی به خانوارها ارجاع داده شده و با در نظر گرفتن میزان آستانهٔ فقر دوم، خانوارهای فقیر کشور مشخص شده‌اند. در مرحلهٔ بعد، تعداد خانوارهای فقیر هر استان و شدت فقر این خانوارها سنجیده شده است. سپس به‌منظور گروه‌بندی استان‌های کشور برپایهٔ شباهت در تعداد خانوارهای فقیر، شدت فقر این خانوارها و نسبت سرشمار تعدیل‌شده (حاصل ضرب میزان و شدت فقر) از روش خوشه‌بندی¹ UPGMA براساس معیار شباهت مربع فاصلهٔ اقلیدسی استفاده شده است (Johnson & Wichern, 2007: 680). در این پژوهش، از بسته‌های نرم‌افزاری Excel، Spss و ArcGis بهره گرفته شده است.

1. Unweighted Pair Group Method with Arithmetic Mean

جدول 1 ابعاد و معرف‌های مورد نظر در شاخص فقر چندبعدی

ابعاد	معرف‌ها	خانوار محروم است اگر ...	پرسش‌نامه
سلامتی	مرگ‌ومیر کودکان	حداقل، مرگ‌ومیر یک کودک کمتر از پنج سال داشته باشد (Alkire & Santos, 2010: 15).	فردی
آموزش	وضع تحصیل فرزندان	دست‌کم، یکی از فرزندان شش تا چهارده‌ساله خانوار تحصیل نکنند (Alkire & Santos, 2010: 14; Santos Et al., 2010).	فردی
	وضع سواد خانوار	هیچ‌یک از افراد خانوار دوره ابتدایی یا نهضت را به پایان نبرده باشد (Alkire & Santos, 2010: 15; Foster & Handy, 2008).	فردی
استاندارد زندگی	برق	در واحد مسکونی برق وجود نداشته باشد (Alkire & Santos, 2010: 16).	خانواری
	آب آشامیدنی	منبع تأمین آب آشامیدنی خانوار به‌سازی نشده یا از رودخانه، برکه و ... باشد (Ibid).	خانواری
	امکانات بهداشتی	در واحد مسکونی توالت وجود نداشته باشد (Ibid).	خانواری
	نوع اسکلت واحد مسکونی	جنس واحد مسکونی از خشت و چوب یا خشت و گل باشد (Ibid).	خانواری
	سوخت جهت پخت‌وپز	جهت پخت‌وپز از سوخت جامد (هیزم، زغال‌چوب، کود حیوانی و ...) استفاده کنند (Ibid).	خانواری
	دارایی	حداقل، یکی از دارایی‌های خودرو سبک، موتورسیکلت، رایانه و تلفن را نداشته باشد (Ibid).	خانواری
	سرانه اتاق	بیشتر از سه نفر در یک اتاق زندگی کنند (Apablaza & Yalonetzky, 2012: 11)	خانواری

3- یافته‌های تحقیق

3-1- فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی

جدول شماره دو نتایج سنجش فقر چندبعدی را در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن آستانه دوم (k) برابر با $0/23$ ، $12/34$ درصد خانوارهای کشور فقیرند (H) و شدت فقر آنان (A) برابر $30/6$ درصد است؛ به عبارتی این خانوارها به‌طور میانگین در $30/6$ درصد معیارها محروم‌اند. همچنین، نسبت سرشمار تعدیل شده ($M0$) که حاصل ضرب میزان شدت فقر است، برابر با $0/04$ است. از سویی، میزان و شدت فقر در خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری است. $5/8$ درصد خانوارهای شهری و $21/46$ درصد خانوارهای روستایی فقیرند. شدت فقر در خانوارهای روستایی $31/56$ درصد و در خانوارهای شهری

28/18 درصد است. نتایج نشان می‌دهد فقر در مناطق روستایی شایع‌تر است و به‌صورت نسبی، خانوارهای روستایی 15/6 درصد بیش از خانوارهای شهری فقیرند.

جدول 2 شاخص فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی و کل کشور (1385)

شاخص فقر چندبعدی (MPI)	میزان فقر (H)	شدت فقر (A)	
0/04	12/34	30/62	کل
0/02	5/86	28/18	شهری
0/07	21/46	31/56	روستایی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

میزان محرومیت‌های خانوارهای کشور در معرف‌های شاخص فقر در جدول شمارهٔ سه آمده است. بیشترین محرومیت خانوارهای کشور در معیارهای دارایی، وضع سواد خانوار و نوع اسکلت واحد مسکونی است. به‌عبارتی، 14/4 خانوارهای کشور هیچ‌یک از دارایی‌های خودرو سبک، موتورسیکلت، رایانه و تلفن را ندارند. همچنین، در 13/5 درصد خانوارها، هیچ عضوی دورهٔ ابتدایی یا نهضت را به‌پایان نرسانده است. از سویی، نوع اسکلت واحد مسکونی 11/7 درصد خانوارها از خشت و چوب یا خشت و گل است.

جدول 3 محرومیت خانوارها در معرف‌های شاخص فقر چندبعدی (درصد - 1385)

روستایی	شهری	کل	معرف‌ها	ابعاد
9/59	7/65	8/46	مرگ‌ومیر کودکان کمتر از پنج سال	سلامت
20/04	8/88	13/52	وضع سواد اعضای خانوار	آموزش
5/48	2/54	3/76	وضع تحصیل فرزندان	
23/10	8/22	14/39	دارایی	استاندارد زندگی
2/35	0/32	1/16	توالد	
2/32	0/05	0/99	سوخت مصرفی	
3/26	0/56	1/68	برق	
12/18	2/43	6/48	آب آشامیدنی	
8/14	4/20	5/84	سرانهٔ اتاق	
21/57	4/82	11/74	نوع اسکلت واحد مسکونی	

(منبع: یافته‌های پژوهش)



در همهٔ معرف‌ها، محرومیت خانوارهای روستایی بیشتر از شهری است. در خانوارهای شهری، بیشترین محرومیت در معرف‌های وضع سواد خانوار (8/8 درصد) و دارایی (8/2 درصد) است؛ درحالی که بیشترین محرومیت خانوارهای روستایی در معیارهای دارایی (23/1 درصد)، نوع اسکلت واحد مسکونی (21/5 درصد) و وضع سواد اعضای خانوار (20 درصد) است.

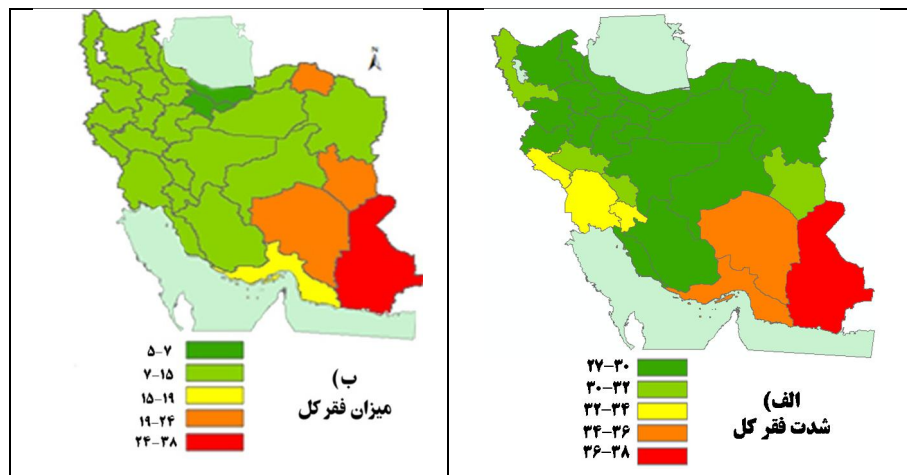
بیشترین محرومیت خانوارهای روستایی در مقایسه با خانوارهای شهری در معیارهای نوع اسکلت واحد مسکونی (16/7 درصد) و دارایی (14/8 درصد) است. باآنکه 20 درصد خانوارهای روستایی هیچ‌یک از اعضایشان دورهٔ ابتدایی و نهضت را به‌پایان نرسانده‌اند، وضع تحصیل فرزندان بسیار مطلوب‌تر است و فقط 5/4 درصد خانوارها فرزندی محروم از تحصیل در سن شش تا چهارده دارند. همان‌طور که بیان شد، نسبت سرشمار تعدیل‌شده از حاصل ضرب میزان و شدت فقر به‌دست می‌آید؛ بنابراین هرچه مقدار این شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهندهٔ گسترده‌گی فقر هم از نظر تعداد فقیران و هم از نظر شدت محرومیت آن‌هاست. کمترین و بیشترین مقدار این شاخص به‌ترتیب مربوط به استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان است (جدول 4). بعد از استان تهران، به‌ترتیب استان‌های مازندران، بوشهر، قزوین، قم، گلستان، اصفهان، فارس و ایلام در مقایسه با استان‌های دیگر وضع مطلوب‌تری دارند. برعکس، بعد از استان سیستان و بلوچستان به‌ترتیب در استان‌های کرمان، خراسان جنوبی، هرمزگان و خراسان شمالی فقر چندبعدی شیوع بیشتری دارد.

جدول 4 نسبت سرشمار تعدیل‌شده در استان‌های کشور (1385)

استان	فقر	استان	فقر	استان	فقر
تهران	0/015	سمنان	0/031	مرکزی	0/042
مازندران	0/017	آذربایجان شرقی	0/032	زنجان	0/042
بوشهر	0/021	کرمانشاه	0/035	آذربایجان غربی	0/043
قزوین	0/024	خوزستان	0/036	کهگیلویه و بویراحمد	0/044
قم	0/024	گیلان	0/037	کردستان	0/045
گلستان	0/025	خراسان رضوی	0/038	خراسان شمالی	0/054
اصفهان	0/028	لرستان	0/039	هرمزگان	0/065
فارس	0/029	اردبیل	0/039	خراسان جنوبی	0/073
ایلام	0/029	چهارمحال و بختیاری	0/040	کرمان	0/081
همدان	0/030	یزد	0/040	سیستان و بلوچستان	0/141

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، استان‌های کشور براساس شدت فقر (شکل 1- الف) و میزان فقر (شکل 1- ب) در پنج گروه طبقه‌بندی شدند. کمترین شدت فقر در استان قم با 27/5 درصد و بیشترین مقدار در استان سیستان و بلوچستان با 37/5 درصد و سپس در استان‌های کرمان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و خوزستان مشاهده می‌شود (شکل 1- الف). استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان نیز به ترتیب کمترین (5/1 درصد) و بیشترین (37/4 درصد) تعداد خانوارهای فقیر را دارند (شکل 1- ب). باینکه استان تهران کمترین تعداد خانوارهای فقیر را در کشور دارد، شدت فقر آن از استان‌های قم، مازندران، اصفهان، قزوین، سمنان، یزد و مرکزی بیشتر است. به عبارتی، خانوارهای فقیر استان تهران محروم‌تر از خانوارهای فقیر استان‌های نام‌برده هستند. ارزیابی وضعیت استان‌های همسایه بوشهر و هرمزگان در جنوب نشان داد که هرمزگان جزء استان‌های بسیار فقیر کشور است و بوشهر به صورت نسبی وضع مطلوب‌تری دارد.

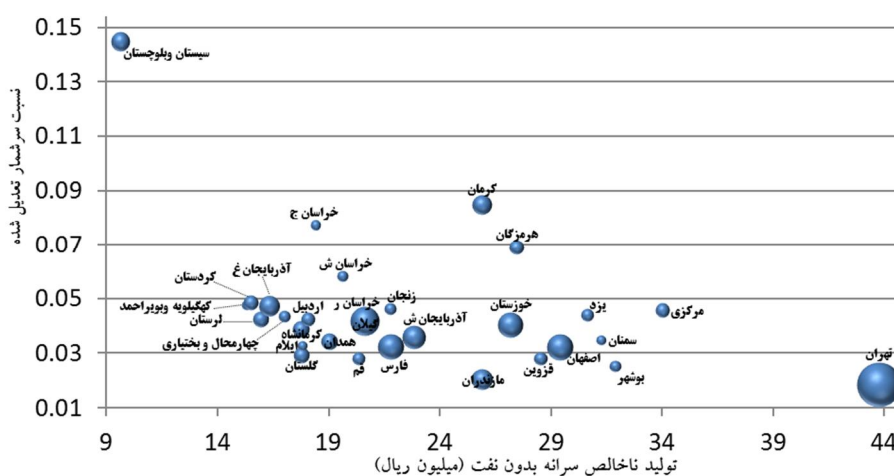


شکل 1 پهنه‌بندی شدت فقر (A) و میزان فقر (H) در استان‌های کشور (درصد- 1385)

3-2- مقایسه فقر چندبعدی و تولید سرانه بدون نفت در استان‌های کشور

استان‌های کشور برپایه تولید سرانه بدون نفت و فقر چندبعدی در شکل شماره دو مقایسه شده‌اند. محورهای افقی و عمودی به ترتیب میزان تولید سرانه بدون نفت و نسبت سرشمار

تعدیل شده (M0) را نمایش می‌دهند. همچنین، اندازه هر حباب نمودار جمعیت متناظر با هر استان است. استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان بیشترین و کمترین میزان تولید سرانه بدون نفت را در کشور با $43/7$ و $9/6$ میلیون ریال در سال 1385 دارايند. براساس شاخص فقر چندبعدی، محروم‌ترین خانوارها در استان‌های جنوب شرقی کشور به ترتیب در سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان زندگی می‌کنند. با آنکه تولید سرانه استان‌های هرمزگان و کرمان برابر با میانگین تولید سرانه کشور (26 میلیون ریال) و همچنین بیش از استان‌های قم، گلستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری و لرستان است، این دو استان پس از سیستان و بلوچستان، براساس میزان و شدت فقر چندبعدی در وضع نامطلوبی قرار دارند. از سویی، شاخص فقر چندبعدی استان مرکزی با وجود برخورداری از بیشترین تولید سرانه (34 میلیون ریال) بعد از استان تهران، از استان‌های دیگر زیاده‌تر است. استان مازندران براساس شاخص فقر چندبعدی پس از استان تهران، بهترین وضع را از نظر تعداد فقیران و شدت فقر داراست؛ با وجود این، از نظر تولید سرانه در حد متوسط قرار دارد.



شکل 2 مقایسه نسبت سرشمار تعدیل شده و تولید سرانه بدون نفت در استان‌های کشور (1385)

نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون بین دو متغیر تولید سرانه بدون نفت و شاخص فقر چندبعدی نشان می‌دهد ضریب هم‌بستگی برابر با $0/4$ است و رابطه مثبت نه‌چندان قوی بین

این دو متغیر وجود دارد. بنابراین، بین تولید سرانه و شاخص فقر چندبعدی هم‌پوشانی اندکی وجود دارد.

3-3- فقر چندبعدی در مناطق شهری کشور

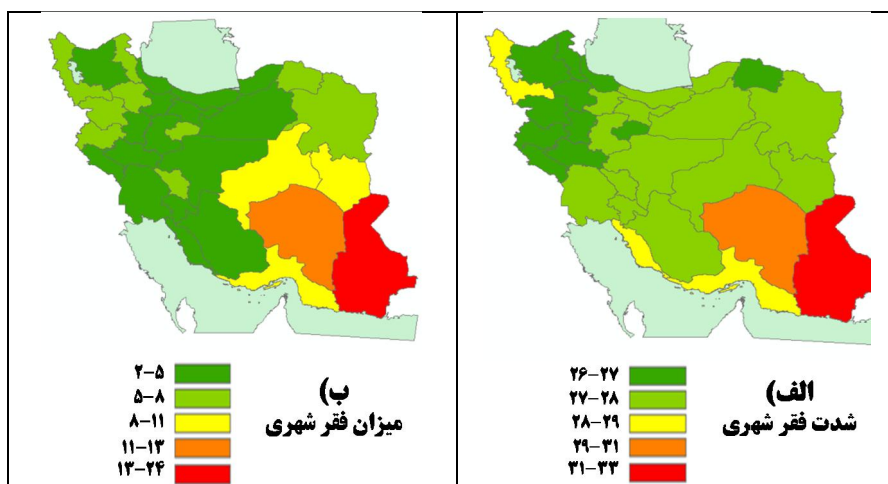
از بررسی میزان MO در مناطق شهری استان‌های کشور دریافت می‌شود خانوارهای شهری استان مازندران در مقایسه با خانوارهای بقیه استان‌ها فقر کمتری دارند (0/007). به عبارتی، از نظر تعداد فقیران (2/4 درصد) و همچنین میانگین محرومیت آن‌ها (27/3)، مناطق شهری این استان بهترین وضع را در بین استان‌های کشور داراست. بعد از این استان، شاخص فقر مناطق شهری استان‌های ایلام، تهران، قزوین، گلستان و لرستان کمتر از استان‌های دیگر است (جدول 5). از دگر سوی، بیشترین مقدار فقر در استان سیستان و بلوچستان 0/076 است و بعد از آن، به ترتیب استان‌های کرمان، خراسان جنوبی، هرمزگان، یزد و خراسان شمالی بیشترین مقدار فقر را دارند.

جدول 5 نسبت سرشمار تعدیل‌شده در مناطق شهری استان‌های کشور (1385)

استان	فقر	استان	فقر	استان	فقر
مازندران	0/007	سمنان	0/012	اردبیل	0/017
ایلام	0/009	همدان	0/013	آذربایجان غربی	0/018
تهران	0/010	خوزستان	0/013	اصفهان	0/019
قزوین	0/011	کرمانشاه	0/014	مرکزی	0/019
گلستان	0/011	کردستان	0/015	خراسان شمالی	0/020
لرستان	0/011	قم	0/016	یزد	0/025
گیلان	0/012	چهارمحال و بختیاری	0/016	هرمزگان	0/025
آذربایجان شرقی	0/012	زنجان	0/016	خراسان جنوبی	0/028
بوشهر	0/012	فارس	0/017	کرمان	0/040
کهگیلویه و بویراحمد	0/012	خراسان رضوی	0/017	سیستان و بلوچستان	0/076

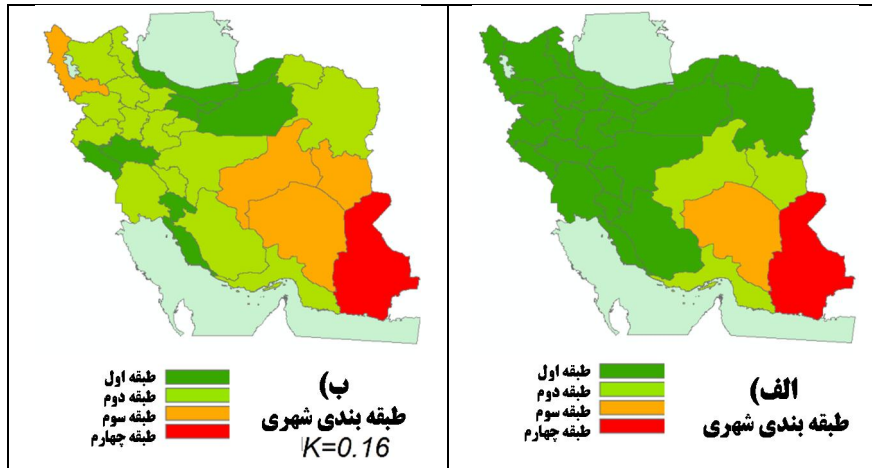
(منبع: یافته‌های پژوهش)

مناطق شهری استان‌ها براساس شدت فقر (شکل 3- الف) و تعداد فقیران (شکل 3- ب) پهنه‌بندی شده است. نتایج گویای آن است که خانوارهای شهری استان ایلام کمترین شدت فقر (A) را دارند. با آنکه استان مازندران کمترین میزان M0 را داراست، شدت محرومیت خانوارهای فقیر این استان (27/2) از استان ایلام (26) بیشتر است. از دگر سوی، تعداد خانوارهای فقیر مناطق شهری استان ایلام 1/15 درصد بیشتر از استان مازندران است. همچنین، بیشترین شدت فقر نیز به ترتیب در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، بوشهر و آذربایجان غربی وجود دارد (شکل 3- الف). بیشترین خانوارهای فقیر (H) نیز در استان سیستان و بلوچستان و پس از آن به ترتیب در استان‌های کرمان، خراسان جنوبی، یزد و هرمزگان است (شکل 3- ب).



شکل 3 پهنه‌بندی شدت فقر (A) و میزان فقر (H) در مناطق شهری استان‌های کشور (درصد - 1385)

مناطق شهری استان‌های کشور بر پایه میزان و شدت فقر با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای پهنه‌بندی شده است. با توجه به شکاف محرومیت موجود بین مناطق شهری و روستایی، براساس خط فقر اولیه، اختلاف مناطق شهری استان‌های کشور کم است و تفکیک استان‌ها به روشنی امکان‌پذیر نیست (شکل 4- الف).



شکل 4 پهنه‌بندی مناطق شهری استان‌های کشور براساس میزان و شدت فقر (1385)

به‌همین منظور، پس از تحلیل حساسیت، مقدار خط فقر به $0/16$ کاهش داده شد و با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، استان‌های مشابه از نظر سطح فقر چندبعدی پهنه‌بندی شدند (شکل 4-ب). به این ترتیب، مناطق شهری استان‌های مازندران، تهران، ایلام، گیلان، سمنان، لرستان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر که کمترین فقر را دارند، در طبقه اول قرار می‌گیرند. همچنین، استان‌های آذربایجان غربی، یزد، خراسان جنوبی و کرمان در طبقه سوم، سیستان و بلوچستان با بیشترین فقر در طبقه چهارم و استان‌های دیگر در طبقه دوم جای می‌گیرند. بنابراین، مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان از نظر تعداد فقیران و میانگین محرومیت این فقیران، با اختلافی زیاد با استان‌های دیگر، بیشترین فقر را دارند. همچنین، بعد از این استان، مناطق شهری استان‌های آذربایجان غربی، یزد، خراسان جنوبی و کرمان محروم‌ترین استان‌ها هستند.

3-4- فقر چندبعدی در مناطق روستایی کشور

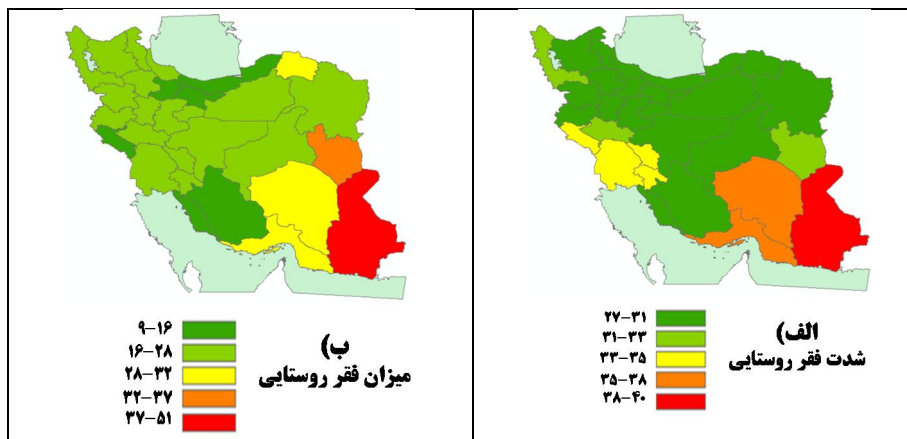
مقایسه $M0$ مناطق روستایی استان‌های کشور نشان می‌دهد خانوارهای استان‌های مازندران، بوشهر و تهران کمترین فقر را از نظر تعداد فقیران و شدت محرومیت آن‌ها دارند؛ هرچند $M0$ تمام مناطق شهری (جز سه استان سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان جنوبی) کمتر از مناطق روستایی است که بر شکاف محرومیتی بسیار زیاد بین مناطق روستایی و شهری کشور دلالت دارد (جدول 6).

جدول 6 نسبت سرشمار تعدیل‌شده در مناطق روستایی استان‌های کشور (1385)

استان	فقر	استان	فقر	استان	فقر
مازندران	0/027	آذربایجان شرقی	0/058	کهگیلویه و بویراحمد	0/071
بوشهر	0/034	یزد	0/061	لرستان	0/071
تهران	0/037	چهارمحال و بختیاری	0/062	زنجان	0/076
گلستان	0/040	گیلان	0/062	آذربایجان غربی	0/079
قزوین	0/041	اردبیل	0/064	کردستان	0/079
فارس	0/043	کرمانشاه	0/067	خراسان شمالی	0/088
اصفهان	0/047	قم	0/067	هرمزگان	0/105
همدان	0/051	مرکزی	0/069	کرمان	0/117
ایلام	0/054	خراسان رضوی	0/069	خراسان جنوبی	0/180
سمنان	0/055	خوزستان	0/070	سیستان و بلوچستان	0/197

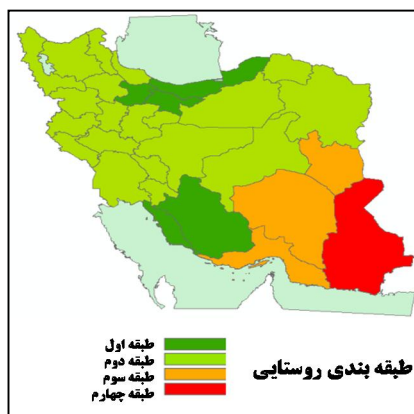
(منبع: یافته‌های پژوهش)

از سوی دیگر، خانوارهای مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان با فاصله بسیار زیاد، محروم‌ترین خانوارهای کشور هستند. برپایه نتایج، نیمی از خانوارهای روستایی این استان فقیرند و به‌طور میانگین در 39 درصد معیارها نیز محروم‌اند؛ درحالی که تعداد خانوارهای فقیر مناطق شهری 24 استان کشور کمتر از 7 درصد است. بعد از استان سیستان و بلوچستان، بیشترین خانوارهای فقیر روستایی با 36/5، 31/3 و 28/9 درصد به ترتیب در استان‌های خراسان جنوبی، کرمان و خراسان شمالی هستند. همچنین، بیشترین شدت فقر نیز بعد از استان سیستان و بلوچستان، در خانوارهای روستایی استان‌های کرمان و هرمزگان است (شکل 5).



شکل 5 پهنه‌بندی میزان فقر (H) و شدت فقر (A) در مناطق روستایی (درصد - 1385)

شکل شماره شش نتایج پهنه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور را هم از نظر تعداد فقر و هم شدت محرومیت با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد. فقیرترین خانوارهای روستایی در استان‌های جنوب شرقی کشور ساکن هستند. نتایج پهنه‌بندی فقر چندبعدی گویای آن است مناطق روستایی استان‌های مازندران، بوشهر، تهران، گلستان، قزوین و فارس، مطلوب‌ترین وضع را در مقایسه با مناطق روستایی سایر استان‌ها دارند و فقیرترین و محروم‌ترین خانوارهای روستایی نیز در استان‌های جنوب شرقی ساکن هستند.



شکل 6 پهنه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور براساس میزان و شدت فقر (1385)



البته، این خانوارها نیز با مناطق شهری فاصله زیادی دارند و ممکن است توزیع فقر و شدت محرومیت در این استان‌ها یکسان نباشد که نیازمند بررسی بیشتر است.

4- بحث و نتیجه

برپایه یافته‌های این پژوهش، تعداد خانوارهای فقیر در مناطق روستایی بیش از چهاربرابر مناطق شهری است و خانوارهای فقیر روستایی به مراتب فقیرتر از خانوارهای فقیر شهری‌اند. بنابراین، ضرورت توجه خاص به محرومیت و فقرزدایی در مناطق روستایی در برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و همچنین برنامه‌ریزی‌های خرد منطقه‌ای، و تدوین برنامه‌های اجرایی کوتاه‌مدت و میان‌مدت توسعه روستایی مبرهن است. همچنین، محروم‌ترین خانوارهای کشور در استان‌های جنوب شرقی (سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و هرمزگان) ساکن هستند. از سوی دیگر، نیمی از خانوارهای روستایی استان سیستان و بلوچستان در فقر به سر می‌برند که محروم‌ترین خانوارها نیز در کشور به‌شمار می‌آیند. بنابراین، امتیاز قائل شدن در تخصیص منابع و تسهیلات حمایتی در برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد به این استان‌ها و به‌ویژه مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان دارای اولویت است. با توجه به اهمیت شناسایی آسیب‌پذیرترین خانوارها در کشور به‌ویژه در طرح هدفمندی یارانه‌ها، به نظر می‌رسد روش فقر چندبعدی می‌تواند فارغ از مشکلات سنجش درآمد و ثروت خانوارها، اطلاعات مفید و همچنین متفاوت از درآمد خانوارها در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد با آنکه تولید سرانه استان‌های مرکزی، یزد، هرمزگان و کرمان بیش از برخی استان‌های غربی کشور مانند ایلام، کرمانشاه، لرستان و چهارمحال و بختیاری است، برخلاف تصور، این استان‌ها از نظر وضع فقر چندبعدی، شرایط نسبی مطلوب‌تری دارند. برای مثال، مناطق شهری استان ایلام از نظر تعداد فقیران و شدت فقر در ردیف بهترین استان‌های کشور هستند.

در این مطالعه، اندازه‌گیری فقر به صورت مقطعی انجام شده است؛ درحالی که شناسایی خانوارهایی که در طول زمان نتوانسته‌اند از فقر رهایی یابند و دچار پدیده فقر مزمن هستند، اهمیت دوچندان دارد؛ بنابراین پیش‌نهاد می‌شود وضع فقر چندبعدی تعداد مشخصی از خانوارها در طول چند دوره ارزیابی شود تا بتوان عوامل فقر مزمن را شناسایی کرد.

در پژوهش‌های سنجش فقر، بر ترکیب نتایج روش‌های اندازه‌گیری کمی و کیفی فقر تأکید می‌شود. عموماً سنجش کمی در مقیاس کلان و سنجش کیفی در مقیاس محلی انجام می‌شود. از آنجا که این مطالعه با به‌کارگیری رهیافت کمی در دو مقیاس کلان و منطقه‌ای صورت گرفته است، پیش‌نهاد می‌شود در سطح محلی با استفاده از رهیافت‌هایی نظیر تحلیل فقر مشارکتی پژوهش‌هایی انجام شود. در این مطالعه، از تقسیمات سیاسی استان‌های کشور در پهنه‌بندی فقر بهره گرفته شد. نتایج نشان می‌دهد فقر در استان‌های جنوب شرقی کشور شایع‌تر است. به‌نظر می‌رسد بررسی ارتباط بین فقر چندبعدی و شرایطی اقلیمی و جغرافیای سیاسی استان‌های کشور می‌تواند در شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر راه‌گشا باشد.

5- منابع

- ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی، «بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامهٔ اول تا چهارم توسعه»، فصلنامهٔ سیاست‌های راهبردی و کلان، س 1، ش 1، صص 35-64، 1392.
- افتخاری، فرخ، آیت‌اله کرمی و مهدی نوری‌پور، «بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد»، اقتصاد کشاورزی، ج 6، ش 1، صص 179-204، 1391.
- خالدی، کوهسار و زورار پرمه، «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (1375-1382)»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، س 13، ش 49، صص 57-82، 1384.
- خداداد کاشی، فرهاد و خلیل حیدری، «اندازه‌گیری شاخص‌های فقر براساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی»، پژوهش‌نامهٔ اقتصادی، س 9، ش 3، صص 205-231، 1388.
- زیبایی، منصور و آشان شوشتریان، «بررسی پویایی فقر در ایران با استفاده از داده‌های مرکب خانوارهای روستایی و شهری»، فصلنامهٔ پژوهش‌های اقتصادی ایران، س 9، ش 32، صص 55-84، 1386.
- شوشتریان، آشان، «بررسی نهادهای تعیین‌کننده فقر روستایی با تأکید بر تعاونی‌های روستایی زنان در استان فارس» در ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، 1386.



- شیروانیان، عبدالرسول و عبدالکریم اسماعیلی، «بررسی تأثیر تغییرات قیمت بر فقر روستایی (مطالعه موردی: استان فارس)»، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ج 40، ش 2، صص 13-25، 1388.
- صمدی، سعید، کاهش فقر: کارایی و برابری در ایران، رساله دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، 1384.
- عرب مازار، عباس و مرتضی حسینی‌نژاد، «عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران»، جستارهای اقتصادی، س 1، ش 1، صص 67-94، 1383.
- علی‌مددی، محمدصادق، اندازه‌گیری شاخص چندبعدی فقر در ایران سال‌های 1383 و 1385، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، 1387.
- محمودی، وحید و سیدقاسم صمیمی‌فر، «فقر قابلیت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س 4، ش 17، صص 5-27، 1384.
- مرکز آمار ایران، «نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 20 درصد داده‌های خام»، 1385.
- Ali-Madadi, A., *Measuring Multidimensional Poverty in Iran: 2004-2006*, Master's Thesis in Economics, Faculty of Management and Economics, Sharif University of Technology, 2009. [in Persian]
- Alkire, S. & J. Foster, "Counting and Multidimensional Poverty Measurement", *Journal of Public Economics*, No. 95, Pp. 476- 487, 2011.
- Alkire, S. & M.E. Santos, *Acute Multidimensional Poverty: A New Index for Developing Countries*, Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), 2010.
- Alkire, S., *Choosing Dimensions: The Capability Approach and Multidimensional Poverty*, Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), 2007.
- Apablaza, M. & G. Yalonetzky, *Chronic Multidimensional Poverty or Multidimensional Chronic Deprivation Mauricio*, Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), 2012.

- Arab-Mazar, A. & M. Hossieni-Nezhad, "Factors Affecting Rural Working Households in Iran", *Economic Essays, Yr. 1, No. 1*, Pp. 67- 94, 2004. [in Persian]
- Arshadi, A. & A. Karimi, "Evaluation of Absolute Poverty in the Iran's First to Fourth Development Plan", *Quarterly of Strategic and Macro Policies, Yr. 1, No. 1*, Pp. 35- 64, 2013. [in Persian]
- Dewilde, C., "The Multidimensional Measurement of Poverty in Belgium and Britain: A Categorical Approach", *Social Indicators Research, No. 3*, Pp. 331-369, 2004.
- Eftekhari, F., A. Karami & M. Nouripour, "Poverty in Kohkilooye & Boyrahmad Province", *Iranian Journal of Agricultural Economics, Vol. 6, No. 1*, Pp. 179-204, 2012. [in Persian]
- Ferreira, F. & M.A. Lugo, "Multidimensional Poverty Analysis: Looking for a Middle Ground", *Policy Research Working Paper*, Pp. 1- 16, 2012.
- Foster, J.E. & C. Handy, "External Capabilities", *Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), No. 8*, Pp. 1- 19, 2008.
- Johnson, R.A. & W.D. Wichern, *Applied Multivariate Statistical Analysis*, 6th Ed. N.J.: Pearson, 2007.
- Khaledi, K. & Z. Parmeh, "Investiagtion of Poverty in Iran Rural and Urban Areas (1996-2003)", *Quarterly of Agricultural Economics and Development, Yr. 13, No. 49*, Pp. 57- 82, 2005. [in Persian]
- Khodadad-Kashi, F. & Kh. Haydari, "Measuring Households' Nutrition Poverty in Iran", *Iranian Economic Research Letters, Yr. 9, No. 3*, Pp. 205- 231, 2009. [in Persian]
- Mahmoudi, V. & Gh. Samimifar, "Capabilty Poverty", *Iranian Quarterly of Social Wellbeing, Yr. 4, No. 17*, Pp. 5- 27, 2005. [in Persian]
- Ravallion, M., "On Multidimensional Indices of Poverty", *Journal of Economic Inequality, No. 2*, Pp. 235- 248, 2011.
- Robeyns, I., "The Capability Approach: A Theoretical Survey", *Journal of Human Development, No. 6(1)*, Pp. 93- 117, 2005.

- Roelen, K., F. Gassmann & C. Neubourg, "False Positives or Hidden Dimensions: What Can Monetary and Multidimensional Measurement Tell Us about Child Poverty", *International Journal of Social Welfare*, No. 21, Pp. 393-407, 2012.
- Samadi, S., *Poverty Reduction: Efficiency and Equality in Iran*, Ph.D Thesis in Economics, Faculty of Economics, Tehran University, 2005. [in Persian]
- Santos M.E. Et al., "Refining the Basic Needs Approach: A Multidimensional Analysis of Poverty in Latin America" in J. Bishop (Ed.), *Studies in Applied Welfare Analysis: Papers from the Third ECINEQ Meeting*, 2010.
- Sen, A., "Development as Capability Expansion" in S. Fukuda-Parr & A.K. Shiva Kumar (Ed.), *Readings in Human Development: Concepts, Measures and Policies for a Development Paradigm*, Oxford University Press India, 2004.
- _____ *Choice, Welfare and Measurement*, Harvard University Press, 1997.
- _____ *Development as Freedom*, Oxford University Press, Business & Economics, 1999.
- Shirvanian A., & M., Bakhshoodeh, "Investigating poverty in rural Iran: The multidimensional poverty approach", *Agricultural Science*, 5: Pp 640-650, 2012.
- Shirvanian, A. & A. Esmali, "The Impact of Price Fluctuation on the Rural Poverty in Fars Prvice", *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, No. 40 (2), Pp. 13- 25, 2009. [in Persian]
- Shoushtarian, A., "Determinant of Rural Poverty in Fars Province with Emphasis on Rural Women Cooperatives" in *6th biennial Conference of Iranian Agricultural Economics*, Mashahd, Iran, 2007. [in Persian]
- Statistical Center of Iran, "National 2006 Census of Population and Housing", Access to 20% of raw Data. [in Persian]
- Zibaei, M. & A. Shoushtarian, "Poverty Dynamics in Iran Rural and Urban Areas Using Panel Data", *Iranian Economic Research*, Yr. 9, No. 32, Pp. 84- 55, 2007. [in Persian]